كدشناسايى :1621666

كدبايگانى :6530438

نام :جعفر

نام خانوادگى :كريمى

نام پدر :على

تاريخ‌تولد :03/06/1346

ش.ش :16601

محل‌صدورشناسنامه :بهار

 تاريخ شهادت :26/10/65

نوع حادثه :حوادث‌مربوطبه‌جنگ‌تحميلى

شرح حادثه :حوادث ناشى ازدرگيرى مستقيم بادشمن-توسطدشمن‌درجبهه

استان :بنيادشهيداستان‌همدان

شهر :اداره‌بنيادشهيدبهار

وصيت‌نامه :%

جعفر كريمى

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايتها نفس المطمئنه ارجعى الى ربك راضيه مرضيه فادخلى فى عبادى وادخلى جنتى .

به نام خداوند بخشنده مهربان و به نام الله پاسدار حرمت خون شهيدان و به نام كسى كه توان رزميدن و جنگيدن و در آخر شهيد شدن را در وجود ما نهاد و با سلام و درود بر منجى عالم بشريت مهدى موعود و نايب بر حقش پير جماران و بعد از مولايش مهدى يگانه پرچمدار و بوجود آورنده انقلاب اسلامى ايران و با سلام و درود بر رزمندگان جبهه نور عليه ظلمت و بر شهيدان اسلام .

خدايا تو را سپاس از اينكه در وجود ما اين قدرت را نهادى كه بتوانيم به سويت گام برداريم و از قافله اى كه به سويت در عرض چندين سال جنگ مى آيند و در حركتند و سردار و پرچمدار آنها مهدى كه پرچم سرخ لا اله الا الله در دست دارد عقب نمانم و بتوانم خود را به اين كاروان برسانم وهمچنين سپا سگزارم ازاينكه نگذاشتى كه در اول جوانى و نادانى به آرزوهاى زياد ولى پوچ به راههاى دور و دراز و گمراه كشانيده شوم مانند بسيارى از افراد جامعه كه الان هم نيز با گذشت چندين سال از جنگ و دادن صدها هزار شهيدى كه با ريختن خون خويش حماسه اى خونين مانند حماسه كربلاى حسينى مى آفرينند و به كارهاى زشت و پليد خويش ادامه مى دهند و اما چند كلمه اى به افراد جامعه خويش و دوستان و آشنايان گرچه من كوچكتر از آن هستم كه بخواهم نوشته اى داشته باشم براى ملت شهيد پرور بهار و ديگر مردمم ولى وظيفه اى كه شهيدان با دادن خون خويش بر دوش ما نهادند بر خود واجب ديده كه سخنانى با شما در رابطه با كار شما در پشت جبهه داشته باشم . سخنانم را با چند كلمه از سخنان امام شروع مى كنم كه فرمود هر كسى كه توان رزميدن را دارد واجب است به جبهه ها هجوم بياورد آرى برادران و خواهران گرامى كسانى توان رزميدن و جنگيدن با دشمن تجاوزگر را دارد به جنگ بيايد جنگى ناخواسته جنگى كه به دشمنان ما بر ملت ايران تحميل نمودند جنگى كه باعث شهيد شدن سران كشور شهيد شدن عده اى از روحانيون و بالاخره شهيد شدن بسيارى از عزيزان شما كه آرزوهاى بسيارى داشته اند . آرى و كسانى كه نمى توانند به جبهه بيايند با ايثار و فداكارى و كمك نمودن به جبهه ها دين خود را به اين جنگ و اين انقلاب ادا نمايند آرى مى توانيد با كمك خويش سهمى از اين جنگ را داشته باشيد و اما تو اى منافق كه با توطئه چينى در پشت جبهه مى خواهى ملت را از راه منحرف نمايى بدان كه ريختن خون شهيدى همچون ديگرشهيدان وخود من خون مردم به جوش مى آيد و با بجوش آمدن خون آنها چنان مشتى به دهان شما منافقين خواهند زد كه ديگر نتوانيد از جا بلند شويد و اما چند كلمه اى با خانواده خويش پدرم ، مادرم ، برادرانم و خواهرانم و تمامى فاميلهايم نمى گويم در شهادت و تشييع جنازه من گريه نكنيد ، تا مى توانيد گريه كنيد براى من چنان گريه كنيد تا بغض شما خالى شود براى اينكه من نتوانستم براى شما پسرى شايسته و اولادى نيكو باشم در اين چندين سال عمر . آرى گريه كنيد ولى نه در كنار منافقين كه موجب خوشحالى آنها شود در جايى پنهان و در خفا گريه كنيد و اميدوارم كه بعد از من احساس هيچگونه نگرانى و تنهايى ننماييد و اما اين فكر هم در مغزتان خطور نكند كه در آنجا پدر و مادرى نبود در موقع جان دادن سرم را بر روى زانوى خويش قرار بده ولى برعكس رسول الله (ص) به عنوان پدر و فاطمه زهرا (س) به عنوان مادر و حسين (ع) به عنوان برادر و زينب (س) به عنوان خواهر در موقع جان دادنم سرم را بر روى زانو خواهند گرفت و اما اين را هم داشته باشيد كه من آگاهانه به اين راه مقدس قدم نهادم و كسى مرا وادار به رفتن به اين راه نكرد به غير از وظيفه اى كه شهيدان بروى دوش ما نهادند ديگر مزاحم اوقات شريفتان نمى شوم و شما را به خداى بزرگ مى سپارم خداحافظ 29/9/65

و در آخر يك وصيتى هم به پدر و مادرم دارم كه بعد از شهادت من براى من مجلس يادبودى نگيرند اگر هم خواستند بگيرند يك روز آنهم در مسجد به رسم اينكه براى آنهايى كه از دنيا رفته اند مراسم پرخرج و يادبودى كه خرج داشته باشد نگيريد اگر خواستيد پول آنرا به جبهه هديه كنيد .

جعفر كريمى 29/9/65